

مطالعه تطبیقی مفهوم و انواع دعاوی بین اشخاص مختلف

*خلیل احمدی

استادیار گروه حقوق دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

پذیرش: ۹۳/۱۱/۱۱

دریافت: ۹۲/۱۰/۱۱

چکیده

تعدد اصحاب یک دعوا وقتی محقق می‌شود که یا هر کدام از آن‌ها مدعی نفع مستقلی در موضوع دادرسی باشد یا این‌که خواهان‌ها و خواندگان متعدد با منافع مشترک دعواهای را مطرح یا از آن دفاع کنند. کاربرد اصطلاح «رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک» ناظر به دعواهای بین خواهان‌ها و خواندگان دارای نفع مشترک است. «دعوای غیر قابل تجزیه و تفکیک» از مصاديق دعواهای بین اشخاص با نفع مشترک است، ولی این خصیصه فقط بین خواندگان وجود دارد و در این نوع دعوا باید همه خواندگان طرف دعوا قرار گیرند. ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی ناظر به «دعوای غیر قابل تجزیه و تفکیک» است.

در این مقاله به بررسی تطبیقی مفهوم و انواع دعواهای بین اشخاص مختلف پرداخته می‌شود. وضعیت فعلی و مطلوب حقوق کشورمان درخصوص این موضوع نیز تشریح خواهد شد.

واژگان کلیدی: دعواهی مرتبه، دعواهی غیر قابل تجزیه و تفکیک، نفع مشترک، رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک

Email: khalilahmadi56@gmail.com

*نویسنده مسؤول مقاله:

۱. مقدمه

در یک دعوای ساده، دعوایی اقامه و در نهایت به صدور حکم منجر می‌شود؛ ولی ممکن است بین خواهان و خوانده دعاوی دیگری نیز مطرح باشد که با دعوای اصلی مرتبط باشند. در حقوق ایران، «دعاوی مرتبط» بین طرفین تعریف شده و برای جلوگیری از صدور آرای متعارض و متناقض، مقرراتی پیش‌بینی شده که همه «دعاوی مرتبط» در یک شعبه و یکجا مورد رسیدگی قرار گیرند. یکی از موارد شایع، رسیدگی دادگاه‌ها به دعاوی‌ای است که در آن خواهان‌ها و خواندگان متعدد با منافع مشابه یا مرتبط وجود دارند. در آمریکا، قوانین مشخص و معینی وجود دارد که بر اساس آن، در صورت وجود خواهان‌های متعدد با منافع مشابه و مرتبط و اقامه دعوا توسط یک یا چند نفر از آن‌ها، صدور حکم نسبت به این دعوا نسبت به حقوق خواهان‌های دیگر نیز تأثیرگذار است. با وجود این‌که قاعده مهم حقوقی اعتبار امر قضاوت شده رأی فقط نسبت به کسانی مؤثر است که در دعوا حضور داشته‌اند، ولی در دعوایی با خصوصیت «حق مشترک»^۱، حکم صادر شده نسبت به دیگر اشخاص ذینفع نیز اعتبار امر قضاوت شده^۲ می‌یابد (مواد ۱۹ و ۲۰ قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا). در حقوق ایران، دعاوی بین خواهان‌ها و خواندگان متعدد با منافع مشابه یا مرتبط تعریف نشده، ولی می‌توان به دعاوی مرتبط بین خواهان و خوانده استناد کرد. علاوه بر این، در بعضی از مواد قانون آیین دادرسی مدنی، اصطلاحی تحت عنوان «رأی غیر قابل تجزیه و تقسیم» پیش‌بینی شده است.

تعریف دقیق مفاهیم انواع دعاوی بین اشخاص متعدد، کمک بسیار مهمی در تفسیر بعضی از مواد قانون آیین دادرسی مدنی از جمله مواد ۳۰۸، ۳۵۹ و ۴۰۴ درخصوص اثر «رأی غیر قابل تجزیه و تقسیم» در مراحل مختلف شکایت از رأی دارد. شناخت دقیق این مفاهیم، به شناخت بهتر دعاوی اعراض ثالث، ورود و جلب شخص ثالث کمک

1. in privity
2. res judicata

می‌کند. به بیان دیگر، با شناخت دقیق این مفاهیم، شرایط و ویژگی‌های دعوای اعتراض ثالث و ورود ثالث بهتر مشخص شده، می‌توان در این‌گونه دعاوی برای اشخاص ثالث که در صدد اقامه دعوای ورود و یا اعتراض ثالث هستند، چارچوب و معیارهای مناسبی تعیین کرد. دعوای اعتراض ثالث، ورود و جلب شخص ثالث و همچنین اثر «رأی غیر قابل تجزیه» با لحاظ این مفاهیم، به صورت مقاله جدگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. به دلیل این‌که در مطالعه تطبیقی کشورها، تنها کشور آمریکا در این زمینه مقررات متفاوت از دیگر کشورها دارد و کشورهای دیگر از جمله کشور فرانسه، در این مورد مقرراتی چنان متفاوت از حقوق ایران ندارند، اساس مطالعه تطبیقی، حقوق آمریکا بوده، حقوق بقیه کشورها به صورت خلاصه مورد اشاره قرار می‌گیرد. بنابراین، در مقاله حاضر ضمن بررسی تطبیقی حقوق آمریکا و اشاره خلاصه به حقوق فرانسه و اسپانیا، مفهوم دعوای «مرتبط» و دعوای «غیر قابل تجزیه و تفکیک» بین اشخاص متعدد در حقوق ایران مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۲. حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا مقررات خاصی درخصوص دعوای مربوط به خواهان‌ها و خواندگان با منافع مشترک، مشابه یا مرتبط وجود دارد که به نحوی برخلاف رویه موجود در حقوق بقیه کشورها است. تقریباً در همه دنیا قاعده اعتبار امر قضاؤت شده صرفاً طرفین حکم را از اقامه دعوای مجدد نسبت به همان موقعیت، منوع می‌سازد، اما در حقوق آمریکا مقرراتی پیش‌بینی شده که حکم صادر شده مابین طرفین دعوای اصلی نسبت به اشخاص دیگر که با طرفین دعوای اصلی «منافع مشابه یا مرتبط» داشته باشند نیز «اعتبار امر قضاؤت شده» می‌یابد. یکی از آن‌ها «حق مشترک» در مواد ۱۹ و ۲۰ قواعد آینه‌دارسی‌مدنی فدرال آمریکا و دیگری دعوای اقامه شده به نمایندگی از

گروه^۱ در ماده ۲۳ قواعد مذکور است.

الف) در ماده ۱۹ قواعد مذکور، جلب اشخاص لازم برای صدور حکم شایسته و منصفانه پیش‌بینی شده است. هرچند دعوای حقوقی با ابتکار عمل اصحاب دعوا و سلط آن‌ها بر جهات موضوعی صورت می‌گیرد، ولی در جهت اجرای صحیح عدالت به دادگاه اجازه داده شده، در صورتی که لازم بداند، شخص یا اشخاص ذیفع را به دادرسی فرا بخواند.

در بند یک ماده مذکور تصریح شده در موارد ذیل در صورت امکان باید شخص غایب به دعوا جلب شود: «۱) در صورتی که به دلیل نپیوستن شخص غایب^۲، حل و فصل کامل خواسته (دعوا)^۳ بین طرفین حاضر^۴ ممکن نشود؛ ۲) شخص غایب نسبت به موضوع دعوا ادعایی داشته باشد و فیصله دعوا^۵ بدون حضور او باعث شود؛ الف) شخص غایب نتواند از منافع خود در موضوع دعوا دفاع کند یا مانع توانایی دفاع وی شود یا ب) هریک از طرفین حاضر، در معرض خطر بر عهده گرفتن تعهدات بیشتر یا تعهدات مغایر^۶ قرار گیرد.

اگر شخص غایب به دعوا وارد نشود، دادگاه دستور می‌دهد او طرف دعوا قرار گیرد. اگر شخصی باید به عنوان خواهان (به دعوا) وارد شود، اما از انجام چنین اقدامی، امتناع ورزد، ممکن است به عنوان خوانده تلقی شود، یا در مورد مقتضی و مناسب، بدون اراده خود به عنوان خواهان تلقی شود».

در بند دوم ماده مذکور مقرر شده است اگر شخصی که در بند یک توصیف شده، نتواند طرف دعوا قرار گیرد، دادگاه بر اساس انصاف و وجود آن تعیین خواهد کرد که دعوا باید بین طرفین قبلی مورد رسیدگی قرار گیرد یا این‌که رد شود. بنابراین،

-
1. class actions
 2. person absence
 3. complete relief
 4. already parties
 5. cannot be accorded
 6. disposition of action
 7. indispensable

شخص غایب به عنوان یک شخص غیر قابل کنار گذاشتن تلقی می‌شود. «عواملی که در بررسی ضرورت حضور غایب به وسیله دادگاه مورد توجه قرار می‌گیرند، عبارتند از: ۱) حکم صادر شده در صورت عدم حضور شخص تا چه حدی به شخص یا اشخاصی که قبلًا طرف دعوا بوده‌اند، صدمه می‌زند؛ ۲) تا چه حد می‌توان با وضع حمایت در حکم با شکل دادن به خواسته یا اقدامات دیگر میزان صدمه وارد شده را کاهش داد یا از آن جلوگیری کرد؛ ۳) آیا حکم صادر شده درباره شخص غایب کافی خواهد بود؛ ۴) آیا اگر به جهت نپیوستن شخص غایب دعوای خواهان رد شود، او از ضمانت اجرای کافی برای احراق حق خود برخوردار می‌ماند؟»

در نظام آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا، در بعضی موارد اختیارات خواهان در تعیین شرایط و چگونگی دعوا کنار گذاشته می‌شود. یکی از این موارد، ورود اجباری (جلب) در ماده ۱۹ قانون مذکور است. ورود اجباری^۱ به دادگاه اجازه می‌دهد رأساً یا به درخواست طرفین، شخصی را که در ابتدا به عنوان طرف دعوا ذکر نشده، به دعوا جلب کند. مفهوم ورود اجباری از یک مفهوم انصافی به وجود آمده که مقرر می‌دارد دادگاه نباید عدالت را نصف و نیمه^۲ اجرا کند، بلکه باید همه اشخاص ذینفع با هم دیگر در یک دعوا جمع شوند و اختلافات به طور کلی در یک دعوا حل و فصل شود [۱، ص ۴۰۶].

نهاد «ورود اجباری» اشخاص ذینفعی را که طرف دعوا قرار نگرفته‌اند و باید حضور داشته باشند به دو گروه تقسیم می‌کند: «شخص لازم و واجب»^۳ و «شخص غیر قابل حذف». «شخص لازم و واجب» شخصی است که اگر امکان داشته باشد باید به دعوا وارد شود و «شخص غیر قابل حذف» شخصی است که بدون او دعوا مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد [۱، ص ۴۰۶]. اگر حضور شخصی بر طبق بند اول ماده ۱۹

1. compulsory joinder
2. its own motion
3. by halves
4. necessary party
5. indispensable party

قانون مذکور برای رسیدگی ضروری باشد، دادگاه در صورت امکان باید آن شخص را به عنوان طرف دعوا جلب کند. اگر در مورد شخصی این ضرورت وجود داشته باشد، ولی امکان پیوستن به آن نباشد، بند دوم ماده ۱۹ چهار عامل را برای تعیین این‌که این شخص غیر قابل حذف است، بیان کرده است. اگر نتیجه جمع این عوامل چهارگانه بیانگر این باشد که این شخص را نمی‌توان حذف کرد، دعوا نمی‌تواند در صورت غایب بودن او مورد رسیدگی قرار گیرد و باید رد شود. ولی اگر شخصی با توجه به عوامل چهارگانه مذکور قابل حذف باشد، دعوا در صورت غیبت این شخص نیز مورد رسیدگی قرار می‌گیرد [۱، ص ۴۰۷].

اعتبار امر قضاوت شده به این معنا است که از اقامه دعوای مجدد توسط یکی از طرفین دعوای سابق نسبت به همان وضعیت جلوگیری شود. به همین دلیل، امر قضاوت شده، اشخاصی را که در دعوای سابق حضور نداشتند از اقامه دعوای مجدد راجع به همان موقعیت منع نمی‌کند. با وجود این، ماده ۱۹ قواعد مذکور، شرایطی را به وجود آورده که در دعاوی‌ای که اشخاص متعدد در آن ذینفع هستند، نسبت به اشخاص غایب و اشخاصی که مشمول آن حکم نبوده‌اند، اعتبار امر قضاوت شده جریان دارد.

هرچند درخصوص تعریف «حق مشترک» در حقوق آمریکا اختلاف نظر وجود دارد، ولی به طور سنتی، «حق مشترک» به روابطی محدود می‌شود که ماهیت این رابطه^۱ به نحوی است که منافع شخص غایب با منافع یکی از طرفین دعوا هم‌ردیف بوده^۲ و از این منافع نیز دفاع مناسبی^۳ به عمل آمده باشد [۱، ص ۴۲۰].

(ب) یکی دیگر از مواردی که منافع مشابه یا مرتبط بین اشخاص متعدد وجود دارد، اقامه دعوا یا دفاع از دعوا «به نمایندگی از اعضای گروه» است. در صورتی که حکمی در این زمینه صادر شود، حکم نه فقط نسبت به طرفین دعوا «اعتبار امر قضاوت

1. nature of the relationship
2. aligned
3. adequately represented

شده» دارد، بلکه نسبت به دیگر اعضای گروه که در آن دعوا دخالتی نداشتند و طرف دعوا نبوده‌اند نیز اعتبار امر قضاوت شده دارد. قاعده مربوط به دعای جمعی در ماده ۲۲ قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا پیش‌بینی شده است. در بند یک این ماده مقرر شده که: «یک یا چند شخص از اعضای گروه می‌توانند به عنوان نماینده از طرف همه گروه اقامه دعوا کنند یا ممکن است علیه آن‌ها اقامه دعوا شود، تنها اگر ۱) تعداد گروه به اندازه‌ای زیاد^۱ باشد که ورود^۲ همه اعضا غیر عملی^۳ باشد، ۲) امور حکمی و موضوعی مشترکی بین طرفین وجود داشته باشد، ۳) ادعاهای دفاعیات طرفین نماینده، مخصوص و ویژه^۴ ادعاهای دفاعیات گروه باشد، ۴) طرفین نماینده به طور مطلوب^۵ و کافی^۶ از منافع گروه دفاع کنند».

ماده ۲۲ مذکور برای تأیید گروهی بودن دعوا چهار پیش‌شرط مقرر کرده است:

۱. بی حد و حصر بودن. این شرط بر غیر عملی بودن رسیدگی با حضور همه اعضای گروه به عنوان طرف دعوا تأکید دارد. غیر عملی بودن معادل غیر ممکن بودن نیست. این شرط وقتی محقق است که ورود به دعوا برای دیگر اعضای گروه باعث مشکل^۷ شود یا بینهایت سخت باشد.

۲. اشتراکی بودن. این شرط مستلزم این نیست که ادعاهای اعضای گروه یکسان باشد. در مقابل، این شرط وقتی که امور مشترک حکمی یا موضوعی وجود دارد به طوری که دعوا گروه، شیوه مقرن به صرفه اقامه دعوا و بیان دفاعیات باشد، فراهم است. به عبارت دیگر، همه ادعاهای گروه از امور حکمی یا موضوعی مشابه به وجود آمده باشد.

۳. خاص بودن. به موجب این شرط لازم است ادعاهای دفاعیات نماینده گروه،

-
- 1. numerous
 - 2. Joinder
 - 3. impracticable
 - 4. typical
 - 5. fairly
 - 6. adequately represented
 - 7. inconvenient

مربوط و خاص آن گروه باشد. در اینجا رسیدگی^۱ تنها بر طرف نماینده مرکز دارد و نه گروه. این پیششرط وقتی که نماینده گروه جزئی از گروه بوده، دارای همان منافع و متحمل همان ضرر به عنوان اعضای گروه شود، فراهم است [۲، ص ۱۵۳۹].

۴. صلاحیت و شایستگی داشتن. این شرط نیز بر نماینده گروه مرکز دارد. دادگاه باید مشخص کند آیا نماینده با دیگر اعضای گروه که در دعوا حضور ندارند، منافع مشترک دارد یا خیر؟ در نتیجه این شرط، منافع نماینده نباید در تعارض با منافع دیگر اعضای گروه باشد. به موجب این شرط لازم است دادگاه صلاحیت و شرایط نماینده گروه را بررسی کند [۲، ص ۱۵۴۰].

شباهت بین شرایط دعواهای گروهی (ماده ۲۳) و تعریف «حق مشترک» عجیب نیست، زیرا به همان شیوه‌ای که اعضای غایب گروه به وسیله حکم نسبت به گروه مکلف می‌شوند، شخص غایب در «حق مشترک» با یکی از طرفین به موجب حکم نسبت به آن طرف و براساس قاعده اعتبار امر قضاؤ شده مکلف می‌شود. بنابراین، دفاع کافی و مناسب در دعواهای گروهی از همان معنای «حق مشترک» در ماده ۱۹ برخوردار است [۱، ص ۴۲۳].

۳. کشورهای فرانسه و اسپانیا

هرچند در کشورهای دیگر یک یا چند مورد که به موجب آن خواهان‌ها می‌توانند گروهی با همیگر دعواهی را اقامه کنند، پیش‌بینی شده است، ولی این رسیدگی‌ها متفاوت از نظام دادرسی مقرر شده در آمریکا است. در برخی از کشورهای اروپایی صدور حکم در یک دعواهی «مرتبط» بین بعضی از اشخاص ذینفع، نسبت به اشخاص ذینفع دیگر که طرف دعوا نبودند، اعتبار امر قضاؤ شده ندارد. وضع در اسپانیا متفاوت است. در این قسمت از بین کشورهای اروپایی، حقوق فرانسه و اسپانیا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. inquiry

۱-۳. حقوق فرانسه

هرچند حقوق فرانسه چند نوع از دعاوی جمعی را مقرر کرده (از جمله ماده ۱۴۲۲-۱ قانون مصرف‌کننده)، در این کشور امکان اقامه دعواهای جمعی به نحوی که در آمریکا پیش‌بینی شده، ممکن نیست. قاعده کلی بر طبق حقوق فرانسه این است که حکم نسبت به اشخاصی که طرف دعوا نبوده‌اند، اثر ندارد و قضات در هیچ حالاتی مجاز نیستند حکمی فراتر از ادعاهای طرفین صادر کنند. در ماده ۳۲۳ قانون آیین‌دادرسی مدنی فرانسه بحث تعدد خواهان‌ها و خواندگان به شرطی که دارای «فعل مشترک»^۱ باشند، پذیرفته شده است. در مواد ۵۵۲، ۵۲۹ و ۶۱۵ قانون مذکور بحث اثر غیر قابل تجزیه بودن رابطه متعدد، بدون ارائه تعریف از آن، پیش‌بینی شده است.

در حقوق فرانسه، مثل حقوق ایران و برخلاف حقوق آمریکا، بر طبق قسمت اول ماده ۳۳۲ قانون مذکور دادگاه رأساً نمی‌تواند اشخاص دیگر را به دادرسی جلب کند، بلکه فقط می‌تواند طرفین را «دعوت» کند^۲ که اشخاص ذینفع دیگر را به دادرسی جلب کنند. با توجه به این ماده و با توجه به قاعده اعتبار امر قضاؤت شده که یکی از شرایط آن، وحدت اصحاب دعوا است، صدور حکم در دعاوی مرتبط بر دیگر اشخاص ذینفع که در دادرسی دخالت نداشته‌اند، تأثیری ندارد. علیرغم عدم مقرره قانونی، رویه قضایی و نویسنده‌گان با استنبط از مقررات مواد ۱۲۰۷ و ۱۲۰۶ قانون مدنی فرانسه نمایندگی خاصی در رابطه میان اشخاصی که نسبت به دین، مسؤولیت تضامنی دارند، مطرح و احرار کرده‌اند و از آن نتیجه گرفته‌اند که هرگاه رأی به زیان یکی از آنان صادر شود و سبب صدور حکم رد ایرادی باشد که برای همه مشترک است، این رأی درباره دیگران نیز اعتبار دارد [۳، ص ۱۸۱]. به عبارت دیگر، در حقوق فرانسه برخلاف حقوق آمریکا به غیر از مورد اخیر که رویه قضایی آن را به وجود آورده، صدور حکم در دعاوی بین خواهان‌ها و خواندگان با منافع مشترک هیچ تأثیری بر

1. les co interesses

2. le juge peut inviter les parties

دیگر اشخاص ذینفع که در دعوای سابق حضور نداشته‌اند، ندارد.

۲-۳. حقوق اسپانیا

دعوای گروهی در نظام حقوقی اسپانیا اگرچه تا اندازه‌ای متفاوت از حقوق آمریکا پیش‌بینی شده است، ولی قلمرو محدودتری از آن دارد؛ زیرا محدود به مصرف‌کنندگان مشترک و متعدد است. مقدمه قانون آیین‌دادرسی‌مدنی اسپانیا مصوب ۲۰۰۱ شیوه‌ای را مقرر کرده که به موجب آن، گروه‌ها و نهادهای حقوقی معینی می‌توانند از طرف تعدادی از مصرف‌کنندگان که همه متحمل ضرر شده یا به جهت واقعه مشابهی صدمه دیده‌اند، اقامه دعوا کنند. در این کشور دو نوع دعوای گروهی مجاز است: ادعا برای دفاع از منافع جمعی بر طبق بند ۲ ماده ۱۱ قانون آیین‌دادرسی‌مدنی و دعوا برای حمایت از منفعت متدالوی یا مبهم اشخاص بر طبق بند ۳ ماده ۱۱ قانون مذکور.

در حقوق اسپانیا نیاز نیست مصرف‌کنندگان برای شرکت در دعوای جمعی که به وسیله گروه‌ها، مؤسسات و نهادهای حقوقی اقامه شده، توافق کنند. آن‌ها برای شرکت کردن در دعوا یا عدم شرکت در آن آزادند، زیرا در هر حال تابع حکم هستند. اگر آن‌ها در دعوا شرکت کنند قادر خواهند بود خسارت وارد به خود را در همان دادرسی ادعا کنند. با وجود این، اگر در دعوا نباشد تابع حکم بوده، می‌توانند از آن حکم (با طرح ادعای خسارت نزد دادگاه اجراکننده حکم) استفاده کنند. در حقوق اسپانیا مقرراتی پیش‌بینی شده تا براساس آن، مصرف‌کنندگان از جریان رسیدگی به دعوا مطلع شده و فرصت پیوستن به آن را داشته باشند. این کار انجام می‌شود: (الف) با انتشار حق ورود اشخاص در دعوا در وسائل ارتباط جمعی منطقه‌ای که خسارت اتفاق افتاده (ممولاً روزنامه‌ها); (ب) در مواردی که اعضا قابل تشخیص هستند با مجبور کردن خواهان برای ارسال نامه به همه آن‌ها قبل از طرح کردن ادعا.

اگر امکان تعیین ذینفعه‌ای حکم به طور قطعی وجود نداشته باشد، دادگاه باید شرایطی را که دیگر اشخاص می‌توانند از این حکم استفاده کنند و مشمول این حکم

شوند، مشخص سازد. اگر دعوای جمعی رد شود همه مصرفکنندگان ذینفع، چه در دعوا شرکت داشته چه نداشته باشند، به وسیله حکم مکف می‌شوند. آن‌ها نمی‌توانند علیه خوانده‌ای که از همان وقایع مشابه به وجود آمده، دعوای جدید اقامه کنند [۴، ص ۲۰].

۴. حقوق ایران

در بعضی از مواد قانون آیین‌دادرسی مدنی ایران تعدد طرفین دعوا پیش‌بینی شده است. در ماده ۱۶ قانون مذکور مقرر شده «هرگاه یک ادعا راجع به خواندگان متعدد باشد که در حوزه قضایی مختلف اقامت داردند... خواهان می‌تواند به هریک از دادگاه‌های حوزه‌های یاد شده مراجعه نماید». در مواد ۳۰۸، ۳۵۹ و ۴۰۴ قانون مذکور نیز با توجه به این‌که بحث اثر رأی نسبت به دیگر اشخاص طرفین دعوا پیش‌بینی شده، می‌توان استنباط کرد ممکن است طرفین دعوا متعدد باشند. در دعواهای بین اشخاص متعدد این سؤال مطرح می‌شود که ضرورت اجتماع خواهان‌ها و خواندگان متعدد بر چه مبنای است؟ به عبارت دیگر، این‌که در یک دعوا علیه خواندگان متعدد اقامه می‌شود، دعواهای با هم اقامه می‌کنند و یا این‌که دعوا علیه خواندگان متعدد اقامه می‌شود، ضرورت توأم بودن این افراد بر چه مبنای توجیه می‌شود؟ در قانون مذکور دو اصطلاح «همنشاً بودن» و «مرتبط بودن» دعواهای پیش‌بینی شده که باید بررسی شود آیا علاوه بر این‌که ناظر به طرفین واحد است، شامل فرض خواهان‌ها و خواندگان متعدد نیز می‌شود یا خیر؟ همچنین عبارت «رأی غير قابل تجزيه و تفكیک» به چه معنا است؟ ممکن است در توضیح این مفاهیم از شرایط و عبارت‌های به کار رفته در دعواهای طاری استفاده شود، ولی خود دعواهای طاری مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

در حقوق ایران به غیر از مقررات آیین‌دادرسی مدنی، در دو قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ و قانون حمایت از مصرفکننده مصوب ۱۳۸۸ مقرراتی

وضع شده که به موجب این قوانین، نهادها یا سازمان‌های حمایت از مصرفکنندگان در جهت دفاع از حقوق مصرفکننده به عنوان شاکی اقامه دعوا می‌کنند.

ماده ۴ قانون تجارت الکترونیکی مقرر می‌دارد: «سازمان‌های قانونی و مدنی حمایت از حقوق مصرفکننده می‌توانند به عنوان شاکی اقامه دعوا نمایند...». در این ماده و آیین‌نامه اجرایی آن، هیچ اشاره‌ای به بحث اثر این حکم نسبت به خود مصرفکننده و اعتبار امر قضاوت شده نسبت به او و دیگر مصرفکنندگان نشده و حتی در ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی مربوط پیش‌بینی شده که نحوه اقامه دعوا و شرایط آن تابع قواعد آیین‌دادرسی مدنی است. بنابراین، در ماده ۴۸ مذکور تسری اثر حکم نسبت به دیگر مصرفکنندگان ذینفع منتفی بوده، رأی صادر شده در پرونده شکایت سازمان‌های حامی مصرفکنندگان نسبت به مصرفکنندگان اعتبار امر قضاوت شده ندارد.

ماده ۱۴ قانون حمایت از مصرفکننده مقرر می‌دارد: «به منظور تسهیل و تسريع در رسیدگی به تخلفات و در راستای استیفادی حقوق مصرفکنندگان، انجمن‌های حمایت از حقوق مصرفکنندگان می‌توانند شکایات واصله از افراد حقیقی و حقوقی را در حدود موارد مذکور در بندهای ۲، ۳ و ۴ ماده ۱۲ این قانون بررسی نموده و در صورت عدم توافق طرفین (شاکی و متشاکی عنه) جهت رسیدگی قانونی به سازمان تعزیرات حکومتی ارجاع نمایند».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این دو ماده قانونی، بحث تعدد اصحاب دعوا مطرح نیست، بلکه سازمانی به عنوان شاکی از طرف مصرفکننده اقامه دعوا می‌کند [۵، ۱۹۵]. بنابراین، برخلاف حقوق دیگر کشورها از جمله حقوق آمریکا و اسپانیا، حکم صادر شده اثری نسبت به دیگر اشخاص ذینفع ندارد و به صورت شخصی و موردي اقامه دعوا می‌شود. به همین جهت، برای بررسی اثر حکم نسبت به دارندگان حق مشترک در حقوق ایران، مقررات آیین‌دادرسی مدنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۴. مرتبط بودن

موضوع مورد بحث در این مقاله، «مرتبط» بودن دعوا بین اشخاص متعدد است؛ ولی از آنجا که در قانون این امر تعریف نشده و تنها درخصوص دعوای متقابل در ماده ۱۴۱ «ارتباط کامل» تعریف شده، باید بررسی شود که دعاوی «مرتبط» در رابطه بین دو شخص خواهان و خوانده چه معنایی دارد و آیا همین مفهوم در دعاوی مرتبط بین اشخاص متعدد نیز کاربرد دارد و یا اینکه دعاوی مرتبط بین اشخاص متعدد معنا و مفهوم دیگری دارد؟

۱-۱-۴. مرتبط بودن دعاوی بین خواهان و خوانده

در فرض تعدد دعاوی خواهان و خوانده گاهی هر دو علیه همیگر دعاوی متعدد اقامه می‌کنند و در موارد دیگر صرفاً خواهان، دعاوی متعددی علیه همان خوانده اقامه می‌کند.

در صورت اقامه دعاوی «مرتبط» خوانده علیه خواهان، ممکن است این دعوا در چارچوب دعوا متقابل یا به صورت دعوا مستقل مطرح شود.
در فرض طرح دعوا متقابل، ماده ۱۴۱ قانون مذکور که «ارتباط کامل» را تعریف کرده («بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هریک مؤثر در دیگری باشد») حاکم بر دعوا است. اما در صورتی که خوانده در چارچوب دعوا متقابل، اقامه دعوا نکند و به صورت مستقل دعوا «مرتبطی» با دعوا اصلی اقامه کند، با احراز شرط قانونی «اگر اتخاذ تصمیم در هر کدام در دیگری نیز مؤثر باشد». رکن «مرتبط» بودن دعاوی فراهم بوده، به استناد مواد ۱۰۳ و بند ۲ ماده ۸۴ ق. آ. د. م باید یکجا مورد رسیدگی قرار گیرند.

۱-۲-۴. مرتبط بودن دعاوی متعدد بین اشخاص مختلف

دعاوی بین اشخاص مختلف ممکن است به این نحو باشد که اشخاص مختلف نسبت به

موضوع دادرسی دارای نفعی متفاوت از دیگر اشخاص باشد و به عبارت دیگر هر کدام مدعی نفع مستقل باشد. در صورتی که اشخاص مختلف نسبت به موضوع دادرسی مدعی حق مستقل باشند، با توجه به اینکه دعوای ورود ثالث یکی از مصادیق دعاوی طاری است و در دعوای طاری رعایت شرط «مرتبط بودن» ضروری است، مفهوم «مرتبط» بودن به این صورت خواهد بود که اشخاص مختلف نسبت به موضوع دادرسی ادعای نفع مستقل داشته باشند.

ممکن است دعوای مرتبه بین اشخاص متعدد به دو طریق محقق شود:

(الف) خواهان دعوایی علیه خوانده اقامه کند و اشخاص دیگر که مدعی حق مستقلی برای خود در موضوع دادرسی هستند، در آن دعوا در چارچوب دعوای ورود ثالث، ادعای خود را مطرح سازند. با توجه به اینکه دعوای ورود ثالث یکی از مصادیق دعاوی طاری است و در ماده ۱۷ ق. آ. د. م. نیز شرط استماع این دعوا «مرتبط بودن» آن با دعوای اصلی دانسته شده، در اینجا مرتبه بودن به این معنا است که هر کدام راجع به موضوع دادرسی، ادعای نفع مستقل کند.

(ب) ممکن است در یک دعوا خواهان و خوانده علیه هم دیگر راجع به مال معینی دعوایی را اقامه کنند و در دعوای دیگر راجع به همان مال، خواهان یا خوانده با شخصی دیگر، دعوایی در جریان داشته باشند یا اینکه در دعوای مستقل از دعوای میان خواهان و خوانده، دعوای دیگری راجع به همان مال، میان افراد دیگر در جریان باشد.

هرچند در این مورد، دعوای به صورت جداگانه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، ولی در صورتی که در یک دعوا، راجع به مال معین رأی صادر شود در دعوای دیگر نیز مؤثر بوده، باعث مختومه شدن دعوای دیگر می‌شود. به همین جهت، تنها راه طرفین دعوای دیگر، اعتراض ثالث به آن رأی است. بنابراین، در این مورد نیز «ارتباط کامل» محقق است.

۴-۲. دعوای بین اشخاص مختلف دارای نفع مشترک

حالات دیگری که امکان دارد دعاوی متعددی بین اشخاص مختلف مطرح شود، این است که بین همه خواهان‌ها و یا همه خواندگان، نفع مشترک در اقامه دعوا یا دفاع از دعوا وجود داشته باشد.

فرض اول، ممکن است بین خواندگان متعدد نفع مشترک در دفاع از دعوا وجود داشته باشد. این در صورتی است که سبب دعوا بین خواندگان مشترک باشد. در ماده ۱۷ قانون مذکور برای اقامه دعوای طاری علاوه بر شرط «مرتبط بودن»، شرط «هم منشأ بودن» نیز پیش‌بینی شده است. با توجه به این‌که «منشأ» همان سبب دعوا است، در دعاوی بین اشخاص مختلف در صورتی که بین دعاوی آن‌ها وحدت «منشأ» وجود داشته باشد، بین آن‌ها نفع مشترک در دفاع از دعوا وجود دارد. همچنین با توجه به این‌که «هم منشأ بودن» متفاوت از «ارتباط کامل» است [۶، ص ۳۷۷]، دعاوی بین اشخاص متعدد دارای نفع مشترک لزوماً از مصاديق دعوای «مرتبط» بین اشخاص مختلف نیست. بنابراین، با توجه به این‌که در حقوق ایران شرط حکومت قاعده اعتبار امر قضاوت شده، وحدت اصحاب دعوا است، در دعاوی بین اشخاص متعدد دارای نفع مشترک که به صورت مستقل و در زمان‌های متفاوت از یکدیگر اقامه شده‌اند، اتخاذ تصمیم در هر کدام از دعاوی در دیگری مؤثر نیست.

برای احراز نفع مشترک بین اشخاص متعدد، به شرح زیر لازم نیست که خواسته خواهان‌ها و دفاعیات خواندگان واحد باشد:

(الف) خواسته خواهان‌ها ممکن است واحد باشد یا متعدد. در ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی‌مدنی تصریح شده اگر خواسته (موضوع) دعوا منقول یا غیرمنقول باشد، به شرط آن‌که ناشی از یک «منشأ» باشد، می‌توان آن‌ها را در یک دادخواست اقامه کرد. بنابراین، لازم نیست خواسته واحد باشد تا بین خواندگان نفع مشترک باشد، بلکه اگر «خواسته‌های همنشأ» متعدد باشند، نفع مشترک بین خواندگان محقق است.

(ب) لازم نیست دفاعیات خواندگان در مقابل سبب مشترک، واحد باشد تا بین آن‌ها

نفع مشترک وجود داشته باشد. به طور مثال، ممکن است خواهان به استناد قرارداد عادی، مدعی خرید ملکی از مورث خواندگان شوند و علیه وراث دعوای الزام به انتقال سند رسمی اقامه کند. در این فرض ممکن است یکی از خواندگان (وراث) مدعی بطلان قرارداد مذکور و دیگری مدعی فسخ آن شود یا اینکه یکی از خواندگان مدعی جعلی بودن امضای مورث خود نزیل سند عادی شده، خوانده (وارث) دیگر مدعی سفید امضا بودن و جعلیت محتوای آن گردد. در اینجا هرچند دفاعیات خواندگان واحد نیست، ولی با توجه به اینکه «منشأ» دعوا واحد است و به هر دلیلی، «منشأ» (عقد بیع عادی) منتظر شود، دعوا نسبت به خوانده دیگر نیز منتظر می‌شود، نفع مشترک بین خواندگان محقق است؛ مگر اینکه یکی از خواندگان دفاعی را مطرح سازد که جنبه شخصی داشته و این دفاع فقط مختص آن خوانده باشد. باید گفت در مورد اخیر بحث نفع مشترک بین خواندگان مطرح نبوده، از مصادیق دعاوی بین اشخاص متعدد دارای نفع مشترک نیست؛ زیرا در نفع مشترک بین خواندگان فرض بر این است که سبب بین آن‌ها مشترک بوده و سبب دعوا متوجه تمامی خواندگان است.

فرض دوم. امکان دارد خواهان‌های متعدد نفع مشترک در اقامه دعوا داشته باشند. در این خصوص نیز در صورتی بین اشخاص متعدد، نفع مشترک وجود دارد که سبب دعوا بین آن‌ها مشترک باشد. در حقوق ایران در هیچ حالتی لازم نیست که اشخاص دارای نفع مشترک با همیگر و در یک دادخواست دعوای خود را مطرح کنند. بنابراین، هر کدام از خواهان‌ها می‌تواند به صورت مستقل و جداگانه دعوای خود را مطرح سازد یا اینکه اصلاً دعوای خود را اقامه نکند.

با توجه به دو فرض بالا، دعاوی بین خواهان‌ها و خواندگان دارای نفع مشترک وقتی محقق می‌شود که «منشأ» دعوا بین خواهان‌ها و خواندگان متعدد مشترک باشد. اگر در چنین دعواهایی، یکی از خواهان‌های دارای نفع مشترک دعوا را اقامه کرده باشد یا علیه یکی از خواندگان دارای نفع مشترک اقامه دعوا شود، صدور حکم نسبت به دیگر اشخاص اعتبار امر قضایت شده نداشته، مانع اقامه دعوا از طرف آن‌ها نمی‌شود. به

دلیل این‌که در حقوق ایران صدور حکم نسبت به دیگر اشخاص دارای نفع مشترک، اعتبار امر قضاوت شده ندارد، شرایط این‌گونه دعواهی چندان متفاوت از دعواهی بین خواهان و خوانده واحد نیست.

درخصوص دعواهی دارای نفع مشترک بین خواهان‌ها و خواندگان متعدد، ممکن است بعضی از خواهان‌ها اقامه دعوا نکنند یا علیه بعضی از خواندگان اقامه دعوا نشود یا اگر خواهان‌ها همگی اقامه دعوا کردند، ضمن یک دادخواست نباشد یا اگر علیه همه خواندگان اقامه دعوا شود، لازم نیست که علیه همه آن‌ها در یک دادخواست اقامه شود. این دعواهی اگر به صورت جداگانه و مستقل اقامه شوند، لزوماً از مصاديق دعواهی مرتبط نبوده، نمی‌توان یکجا به آن‌ها رسیدگی کرد. بنابراین، عدم شمول قاعده اعتبار امر قضاوت شده نسبت به اشخاصی که در دعواهی سابق حاضر نبوده‌اند و همچنین نبودن مانع بر اقامه دعوا توسط سایر خواهان‌ها موجب صدور آرای متعارض می‌گردد. در حقوق آمریکا برای جلوگیری از صدور آرای متعارض مواد ۱۹ و ۲۳ قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال پیش‌بینی کرده است بر طبق شرایطی، حکم صادر شده نسبت به دیگر اشخاص ذیفع، اعتبار امر قضاوت شده دارد؛ ولی در حقوق ایران برای جلوگیری از صدور آرای متعارض، مقررهای پیش‌بینی نشده و این یکی از نقاطی و ضعف‌های قانون آیین دادرسی مدنی ایران است.

۴-۳. دعوا و رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک

در مواد ۳۰۸ و ۴۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی عبارت «رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک» بدون ارائه تعریف از آن به کار رفته است. علاوه بر این، عبارت دیگری تحت عنوان «دعواهی غیر قابل تجزیه و تفکیک» وجود دارد که ارتباط میان آن‌ها نیازمند بررسی و دقیق‌تر است.

۱-۳-۴. دعوای غیر قابل تجزیه و تفکیک

دعوای «غیرقابل تجزیه و تفکیک» همان دعوای اشخاص متعدد دارای نفع مشترک است. تنها تفاوت این دو دعوا این است که در دعوای دارای نفع مشترک، خواهان می‌تواند علیه بعضی از خواندگان دعوا را اقامه و علیه بعضی دیگر اقامه نکند (به طور مثال در دعوای مالک علیه یکی از غاصبین؛ در حالی که در «دعوای غیر قابل تجزیه و تفکیک» (مثل دعوای مالک مبنی بر اثبات حق ارتقا علیه مالکین ملک مجاور) باید کلیه اشخاصی که در موقعیت خوانده هستند، طرف دعوا قرار گرفته، برخلاف دعوای دارای نفع مشترک نمی‌توان دعوا را علیه بعضی از این اشخاص اقامه کرد و علیه بعضی دیگر اقامه نکرد؛ زیرا اگر اقامه این نوع دعوا علیه بعضی از آن‌ها پذیرفته شود، در فرض صدور حکم به نفع خواهان، با حقوق اشخاص دیگر که طرف دعوا قرار نگرفته‌اند، تعارض دارد و حقوق آن‌ها را بدون این‌که از خود دفاع کنند، تحت الشاع قرار می‌دهد. به بیان دیگر، «دعوای غیر قابل تجزیه و تفکیک» یکی از مصادیق دعاوی دارای نفع مشترک بوده، رابطه آن‌ها عموم و خصوص مطلق است. تنها تفاوت این است که در «دعوای غیر قابل تجزیه» باید همه اشخاصی که با موضوع دعوا مرتبط هستند، طرف دعوا قرار گیرند [۷/ ص ۱۵۹]. راحل تشخیص این تفاوت نیز اجرای حکم صادر شده با اعتبار آن علیه محکوم^{علیه} و اشخاصی است که در موقعیت خوانده بوده، ولی طرف دعوا قرار نگرفته‌اند. اگر حکم صادر شده در موقع اجرا تنها علیه محکوم^{علیه} قابلیت اجرا یا اعتبار داشته و علیه اشخاص دیگر که با محکوم^{علیه} نفع مشترک داشته، اجرا نشود (مثل حکم مربوط به مطالبه قیمت مال مخصوص علیه یکی از غاصبین)، این دعوا، دعوای دارای نفع مشترک بوده، ولی اگر حکم صادر شده علیه محکوم^{علیه} در موقع اجرا علیه اشخاص دیگر که با محکوم^{علیه} نفع مشترک دارند نیز اجرا شود، این دعوا، «دعوای غیر قابل تجزیه و تفکیک» است.

بنابراین، باید گفت «دعوای غیر قابل تجزیه و تفکیک» فقط نسبت به خواندگان و در مقام خوانده، محقق می‌شود و نسبت به خواهان‌ها، «دعوای غیر قابل تجزیه» محقق

نمی‌شود؛ زیرا برخلاف خواندگان که اگر همه آن‌ها طرف دعوا قرار نگرفتند، قرار عدم استماع صادر می‌شود، در حقوق ایران لازم نیست خواهان‌ها با هم‌دیگر اقامه دعوا کنند. بر این اساس، «دعوا» هیچ وقت نسبت به خواهان‌ها عنوان «غیر قابل تجزیه و تفکیک» ندارد.

در صورتی که خواندگان غیرمحصور باشند، با توجه به این‌که بر طبق ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی می‌توان از طریق آگهی علیه اشخاص غیرمحصور اقامه دعوا کرد، اگر به این نحو دعوایی اقامه شود، حکم صادر شده نسبت به اشخاصی که از طریق آگهی، دعوا علیه آن‌ها اقامه شده، حتی اگر در این دعوا حاضر نشده و وکیل هم نفرستاده باشند، اعتبار دارد. ماده ۷۴ قانون مذکور تصریح دارد: «در دعاوی راجع به اهالی معین اعم از ده یا شهر یا بخشی از شهر که عده آن‌ها غیرمحصور است علاوه بر آگهی مفاد دادخواست به شرح ماده قبل، یک نسخه از دادخواست به شخص یا اشخاصی که خواهان آن‌ها را معارض خود معرفی می‌کند ابلاغ می‌شود».

قانونگذار با توجه به این‌که لازم است «دعوای غیر قابل تجزیه و تفکیک» علیه همه خواندگان اقامه شود و از طرفی برای رعایت حقوق خواهان که گاهی از امکان ذکر اسامی همه خواندگان در دادخواست برخوردار نیست، شیوه‌ای را مقرر کرده است که به نحوی با ماده ۲۳ قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا شباهت دارد. برخلاف ماده ۲۳ قانون آمریکا که شرایط متعددی را برای اعمال آن در نظر گرفته است، تنها شرط قانون در حقوق ایران این است که «دعوا غیر قابل تجزیه و تفکیک» باشد. بنابراین در دیگر دعاوی بین خواندگان متعدد با منافع مشترک به این نحو نمی‌توان دعواهای را مطرح کرد.

۴-۳-۲. رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک

همان‌طور که بعضی از اساتید حقوق در توضیح «رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک» توضیح داده‌اند «غير قابل تجزیه و تفکیک بودن حکم باید ناشی از سببی باشد که بین

محکوم‌علیهم مشترک است» [۸، ص ۳۳۳]. با توجه به این توضیح، «رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک» همان دعوای دارای نفع مشترک بین اشخاص متعدد در مقام خواهان یا خوانده دعوا است که حکم به ضرر آن‌ها صادر شده است؛ زیرا در دعوای بین اشخاص متعدد دارای نفع مشترک نیز سبب دعوا بین خواهان‌ها و خواندگان متعدد مشترک است. این امر را می‌توان از مواد ۳۰۸ و ۳۵۹ و ۴۰۴ قانون مذکور که به عبارت «خوانده» اشاره نکرده و به اشخاصی که شکایت نکردند (محکوم‌علیهم) اشاره شده، استنباط کرد. منظور از عبارت «محکوم‌علیهم» اعم از خواهان‌ها و خواندگان متعدد در مرحله بدوي است که حکم به ضرر آن‌ها صادر شده است؛ مخصوصاً با توجه به این‌که در هیچ حالتی «دوا» بین خواهان‌های متعدد غیر قابل تجزیه نیست. بنابراین، باید گفت «رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک» در صورتی که بین خواهان‌ها و خواندگان متعدد، نفع مشترک وجود داشته و به ضرر آن‌ها صادر شود، محقق است و محدود به «دوای غیر قابل تجزیه و تفکیک» نیست.

۵. نتیجه‌گیری

۱. دعوای بین اشخاص مختلف دو حالت کلی دارد: در حالت اول، هر کدام از اشخاص مختلف راجع به موضوع دعوا، نفع مستقلی برای خود ادعا می‌کند. به این حالت، «دوای مرتبط» بین اشخاص متعدد گفته می‌شود. وضعیت و حالت دوم بدین نحو است که خواهان‌ها و خواندگان متعدد، نفع مشترک در اقامه دعوا یا دفاع از آن دارند. این وضعیت وقتی محقق می‌شود که بین خواهان‌ها و خواندگان متعدد، سبب دعوا مشترک باشد.
۲. در دعوای با منافع مشترک بین خواهان‌ها، لازم نیست که خواهان‌ها با هم دیگر در یک دادخواست دعوای خود را اقامه کنند. در دعوای با منافع مشترک بین خواندگان متعدد نیز لازم نیست که دعوای خواهان علیه همه خواندگان در یک دادخواست اقامه شود.
۳. دعوای غیر قابل تجزیه یکی از مصادیق دعوای بین اشخاص متعدد با منافع

مشترک است. تنها تفاوت آن‌ها در این است که دعواهای غیر قابل تجزیه باید علیه همه خواندگان در یک دادخواست اقامه شود. معیار تشخیص تفاوت نیز این است که آیا در فرض صدور حکم به نفع خواهان، حکم صادر شده علیه یکی از خواندگان، نسبت به اشخاص دیگر که در موقعیت خوانده بوده، ولی طرف دعوا قرار نگرفته‌اند نیز قابلیت اجرا دارد یا این‌که خواهان باید در دعواهای مستقلی دوباره علیه دیگر خواندگان اقامه دعوا کند؟ پاسخ مثبت به این سؤال به معنای غیر قابل تجزیه بودن دعوا است.

۴. با توجه به این‌که در حقوق ایران لازم نیست که خواهان‌ها با هم‌دیگر دعواهای خود را اقامه کرده و هر کدام به صورت مستقل و جداگانه می‌توانند دعواهای خود را اقامه کند، «دعواهای غیر قابل تجزیه» شامل دعواهای خواهان نیست. بنابراین، دعواهای بین خواهان‌ها با نفع مشترک عنوان «دعواهای غیر قابل تجزیه و تفکیک» ندارد.

۵. اصطلاح «رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک» در مواد ۳۰۸، ۳۵۹ و ۴۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، شامل خواهان‌های متعدد با منافع مشترک نیز هست؛ زیرا در این مواد قانونی به عبارت «محکوم‌علیهم» اشاره شده که شامل خواهان‌های متعدد که رأی به ضرر آن‌ها صادر شود نیز می‌شود.

۶. با توجه به این‌که در «دعواهای غیر قابل تجزیه» باید همه خواندگان طرف دعوا قرار گیرند، ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی به «دعواهای غیر قابل تجزیه» مربوط است و در دعواهای بین اشخاص متعدد با منافع مشترک (به غیر از دعواهای غیر قابل تجزیه و تفکیک) نمی‌توان به این نحو اقامه دعوا کرد. علاوه بر این باید گفت ماده فوق به نحوی شباهت به ماده ۲۳ قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا دارد.

۷. در حقوق ایران برخلاف حقوق آمریکا حکم صادر شده نسبت به بعضی از خواهان‌ها و خواندگان نسبت به دیگر اشخاص دارای نفع مشترک با خواهان‌ها و خواندگان، حتی حکم صادر شده در «دعواهای غیر قابل تجزیه و تفکیک»، نسبت به دیگر خواندگان که از طریق آگهی طرف دعوا قرار نگرفتند، اعتبار امر قضاوت شده ندارد.



۱

۶. پیشنهادها

۱. همان طور که در دعاوی غیر قابل تجزیه اگر همه خواندگان طرف دعوا قرار نگیرند، قرار عدم استماع دعوا صادر می شود، در دعاوی بین اشخاص متعدد با منافع مشترک به منظور جلوگیری از صدور آرای متعارض پیشنهاد می شود یا مقرر شود که در این گونه دعاوی نیز همه خواندگان باید طرف دعوا قرار گیرند و گرنّه قرار عدم استماع دعوا صادر می شود یا این که امکان جلب اشخاص مورد نظر رأساً توسط خود دادگاه پیش بینی شود.
۲. با توجه به این که خواهان های دارای نفع مشترک می توانند جدأگانه و در زمان های مقاوت اقامه دعوا کنند و در نتیجه ممکن است این آزادی موجب صدور آرای متعارض گردد، برای جلوگیری از صدور آرای متعارض، امکان جلب اشخاصی که در موقعیت خواهان هستند، چه از طریق خواهان دعوای اصلی یا رأساً از طرف دادگاه به دادرسی پیش بینی شود.

۷. منابع

- [1] William J. Katt, *Res Judicata And Rule 19*, 103 NW, U. L. Rev. 401. 2009.
- [2] Michael E. Solimine and Christine Oliver Hines, *Deciding to decide: class Action certification and Interlocutory Review by the united states courts of Appeals under rule 23(f)*. Rev1531(2000).
- [3] کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- [4] James warnot and Daniela strike and Francisco Malaga, *collective actions across the globe – a Review*, 2011.
- [5] السان، مصطفی، حقوق تجارت الکترونیکی، تهران، سمت، ۱۳۹۱.
- [6] زراعت، عباس، قانون آینین دادرسی مدنی در نظم حقوقی ایران، تهران، قفسوس،

.۱۲۸۶

- [۷] افتخار جهرمی، گودرز، السان، مصطفی، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، تهران، دور
اندیشان، ۱۳۹۳.
- [۸] شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، تهران، میزان، ۱۳۸۱.